



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام

فصلنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی) پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰، صص ۲۴ - ۱

بازخوانی تصویر ذهنی علما و روشنفکران عصر مشروطه از قانون

ناصر جمال زاده^۱

مسعود ندافان^۲

علی رضا بیگی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۰

چکیده

خاستگاه برخی از ساختارهای قانونی و سیاسی فعلی جمهوری اسلامی ایران به انقلاب مشروطه باز می‌گردد. پاره‌ای از مضامین مهم تشکیل دهنده ساختار قانونی و سیاسی کشور ریشه در مشروطه و اندیشه نخبگان آن دوره دارد. از این روی مسئله پژوهش حاضر نیز تبیین قانون به عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم مشروطه در اندیشه و آراء نخبگان سیاسی آن دوره است. تبیین این مسئله می‌تواند به فهم درست مفاد بسیاری از قوانین موجود منجر شود، از این حیث اهمیت دارد. ضرورت آن نیز از این حیث است که می‌تواند به آسیب‌شناسی بسیاری از ادبیات پژوهشی آن دوره کمک کند. سؤال اصلی پژوهش این است که نخبگان دوره مشروطه چه تصویری ذهنی از قانون دارند؟ و سؤال فرعی پژوهش اینکه آنان این مفهوم را از چه خاستگاه و منبعی دریافت کرده‌اند؟ هدف آن نیز کمک به غنای پژوهش در حوزه مضامین مهم مشروطه است. روش ترکیبی توصیفی تحلیلی و مقایسه‌ای برای نیل به این هدف پژوهش استفاده شده است. یافته کلی پژوهش آن است که با وجود فصل مشترک تکاپوی علما و روشنفکران برای رفع مشکل عقب‌ماندگی ایران، تصویر ذهنی متفاوت آنان از بر ساخت مفهوم قانون موجب کنشگری منحصر به فردی شده است. مشروطه‌خواهان روشنفکر با کاربری اصول انسان محور خواهان عدم دخالت شرع در سیاست بودند. از سوی دیگر تطبیق‌گرایان با درک هنجارهای جامعه ایرانی در صدد اعمال قوانین غربی با کنش مستقیم مردم در تدوین قوانین و کاهش تعارض با آموزه‌های اسلامی بودند. در مقابل تطبیق‌گرایان، روشنفکران تفکیک‌گرا آموزه‌های اسلامی را عامل فقدان پیشرفت کشور قلمداد می‌کردند و قوانین بشری را پیشران توسعه تلقی می‌کردند. از سوی دیگر علمای مشروعه خواه خاستگاه قانون‌گذاری را احکام اصیل اسلامی می‌دانستند و هرگونه تدوین قوانین بشری را بدعت به شمار می‌آوردند. رهیافت علمای مشروطه خواه اثرگذاری مولفه شناخت مقتضیات زمان در تدوین قوانین و تأیید نقش غیرمستقیم مردم در تدوین قانون بود.

واژه‌های کلیدی: مشروطه، قانون، مشروطه‌خواه، مشروعه‌خواه، روشنفکران مشروطه.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) Jamalzadeh@isu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. M.naddaffan@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش مسائل ایران دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. a.r.beygi20@gmail.com
Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

مقدمه

احساس عقب ماندگی در مقابل غرب و سیطره قریب الوقوع تمدن و فرهنگ غربی بر تمدن و فرهنگ ایرانی مهم ترین دغدغه نخبگان سیاسی دوران مشروطه است. نخبگان مشروطه که به دو گروه علمای سنتی و روشنفکران مدرن تقسیم می شدند، از عقب ماندگی کشور و جامعه ایرانی از تمدن و پیشرفت غرب به شدت احساس حقارت کرده و به فکر چاره بودند. از این روی انجام اصلاحات در کشور با هدف جبران عقب ماندگی و نیل به توسعه و پیشرفت را امری ضروری می دانستند. تصویری که اغلب آنان از اصلاحات داشتند شامل تغییر و تحول در ساختار نظام سیاسی کشور، دولتمردان و هدف گذاری های سیاسی بود. قانون یکی از موضوعاتی که همواره محل بحث نخبگان سیاسی دوران مشروطه بود. با وجود گذشت بیش از یک قرن از مشروطه، هنوز هم ابهامات و مسائلی پیرامون نظر حقیقی نخبگان سیاسی دوران مشروطه پیرامون برخی از مفاهیم مشروطه از جمله مفهوم قانون وجود دارد. این مسئله که قانون در اندیشه هر یک از نخبگان سیاسی دوران مشروطه دقیقاً به چه معنا است، موضوعی است که این پژوهش درصدد تبیین آن است. تبیین مفهوم قانون در آراء نخبگان سیاسی دوران مشروطه سبب می گردد تا کنش بسیاری از افرادی که در تدوین قانون اساسی مشروطه نقش داشتند، مورد واکاوی قرار بگیرد. از این روی مطالب و نگاشته های آنان که امروزه نیز مورد استناد قرار می گیرد، با ملاحظه و توجه به نگرش سیاسی آنان ارزیابی می گردد. اهمیت دیگر این پژوهش از این روی است که خط فکری این نخبگان در عرصه تشریع و قانون گذاری تبیین می یابد، لذا بهتر می توان به دسته بندی آثار دلسوزانه و مغرضانه آنان مبادرت ورزید. انجام این پژوهش موجب شناسایی بهتر شخصیت های تأثیرگذار در تاریخ معاصر و تحلیل بهتر مطالب آنان می شود. در صورت عدم شناخت کافی و کامل از شخصیت های دوران معاصر و تحلیل عالمانه مطالب و کنش های سیاسی آنان، نمی توان از فلسفه بسیاری از رخداد های تاریخ معاصر آگاهی یافته و جهت روشنگری نسل آینده در این راستا قلم زد، از روی انجام چنین پژوهش هایی بیش از پیش ضرورت می یابد. سؤال اصلی پژوهش «نخبگان سیاسی دوران مشروطه اعم از روشنفکران و علمای روحانی چه تصویری از قانون و قانون خواهی در ذهن داشته اند؟» و سؤالات فرعی نیز عبارت اند از «آیا روشنفکران و علمای مشروطیت مفهوم قانون را از اندیشه های غرب اقتباس کرده اند؟» است. روش مورد استفاده در این پژوهش ترکیبی از روش توصیفی تحلیلی و روش مقایسه ای است. در روش توصیفی تحلیلی به منابع مکتوب دوران مشروطه استناد می شود. بر طبق این روش، فهم و نگرش علما و روشنفکران سیاسی این دوره از مفهوم قانون مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. از روش مقایسه ای نیز برای کشف شباهت



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام

۲

سال یازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰



ها و تفاوت های تصویر ذهنی روشنفکران و علما از قانون استفاده می شود. محدوده مکانی پژوهش شامل ایران و عراق به عنوان محدوده زیستی علمای شیعه در حوزه های علمیه این دو کشور و روشنفکران غرب گرا در ایران است. محدوده زمانی پژوهش حاضر نیز اواخر دوره قاجار یعنی از زمان تحریم تنباکو در عهد ناصرالدین شاه در سال ۱۲۷۰ تا پایان دوره قاجار را شامل می شود. در نهایت در پژوهش حاضر جهت تبیین تصویر ذهنی نخبگان سیاسی از انگاره قانون، ابتدا در قسمت چارچوب مفهومی به توضیح مهم ترین مفاهیم مورد استفاده در این پژوهش پرداخته می شود. سپس با دسته بندی نخبگان سیاسی دوران مشروطه به دو طبقه علما و روشنفکران، نظر افراد شاخص و مطرح و صاحب نظر هر طبقه به صورت مجزا مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

۱. پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه پژوهش های بسیاری پیرامون انقلاب مشروطه انجام شده است اما تعداد انگشت شماری از آنان به تبیین مفاهیم مهم آن دوره پرداخته اند. پژوهش های انجام شده پیرامون مشروطه را در یک تقسیم بندی کلی می توان به چهار دسته تقسیم کرد. نخست، پژوهش هایی که به بیان تاریخ مشروطه و حوادث و رخداد های آن زمان پرداخته اند. دوم، پژوهش هایی که اختلافات نخبگان سیاسی مشروطه را مورد مذاقه قرار داده اند. سوم، پژوهش هایی که آثار نخبگان سیاسی مشروطه معرفی کرده اند و چهارم نیز پژوهش هایی هستند که به بیان مفاهیم مهم دوره مشروطه پرداخته اند. پژوهش حاضر ترکیبی از پژوهش نوع دوم و چهارم است. این پژوهش قصد دارد تا مفهوم مهم قانون را در آراء نخبگان سیاسی مطرح مشروطه به صورت مجزا مورد بررسی قرار دهد لذا از این حیث بدیع است. برای آشنایی با میزان نوآوری این پژوهش، در جدول ذیل پژوهش های مهمی که به موضوع مقاله حاضر مرتبط هستند دسته بندی شده است.

جدول شماره (۱): پژوهش های مرتبط با مفاهیم مهم دوران مشروطه

ردیف	عنوان	نویسندگان	زمان چاپ	موضوع
۱	مفهوم قانون در اندیشه های مستشارالدوله	بیژن عباسی و رضا یعقوبی	۱۳۹۹	ارائه مفهوم جدیدی از قانون توسط مستشارالدوله
۲	شرح گرایان و قانون در عصر انقلاب مشروطه	محمدراسخ و فاطمه شیخی زاده	۱۳۹۷	بیان تفاوت ها و شباهت های نظرات علمای مشروطه پیرامون قانون
۳	رویکرد دینی حاکمیت قانون در نظام مشروطه ایران	علیرضا دبیرنیا و آیت الله جلیلی مراد و عبدالسعید شجاعی	۱۳۹۶	بررسی نظر علمای مشروطه پیرامون حاکمیت قانون

۴	مفهوم قانون در عصر مشروطه: نویسندگان متقدم	محمد راسخ و فاطمه شیخی زاده	۱۳۹۳	نظر نویسندگان دوره عصر مشروطه پیرامون قانون
۵	پیش زمینه مفهوم قانون در عصر مشروطه: از مالک الرقاب تا تنظیمات	محمد راسخ و فاطمه شیخی زاده	۱۳۹۲	بررسی خاستگاه مفهوم قانون پیش از مشروطه و سیر پیدایش و تحول آن
۶	بنیاد و ساختار نظام قانون گذاری و نمایندگی در آراء علمای مشروطه خواه	امیر رضائی پناه و رجب ایزدی	۱۳۹۱	بررسی ساختار نظام قانون گذاری از منظر علمای مشروطه به ویژه علامه نائینی و شیخ محمد اسماعیل محلاتی
۷	مبانی اندیشه قانون گرای میرزا یوسف خان مستشارالدوله	علیرضا ازغندی و حامد عامری گلستانی	۱۳۸۹	بررسی مبانی نظری اندیشه قانون گرای میرزا یوسف خان جهت ایجاد تغییر و تحول برای شکل دادن به حکومت جدید
۸	تأملی درباره ایران، نظریه حکومت قانون	سید جواد طباطبایی	۱۳۸۵	توضیح تبدیل نظام فقهی به قانون عرفی به مثابه مهم ترین بحث دوره مشروطه
۹	بررسی علل اختلاف علمای مشروطه خواه و مشروعه خواه در قبال مشروطه و مفاهیم مرتبط با آن	فرزاد جهان بین	۱۳۸۵	تبیین برخی از مفاهیم مشروطه از منظر علمای آن دوره و بیان علل اختلاف آنان پیرامون این مفاهیم
۱۰	علمای شیعه در عصر مشروطه و انگاره سلطه بر غرب	ناصر جمالزاده	۱۳۸۴	تبیین مفهوم سلطه غرب از منظر علمای مشروطه
۱۱	مشروطه ایرانی	ماشاء الله آجودانی	۱۳۸۳	تقسیم بندی فقه های عصر مشروطه و تبیین نظرات آن پیرامون مفاهیم مختلف مشروطه
۱۲	دموکراسی در منظر اندیشمندان شهیر شیعه	ناصر جمالزاده	۱۳۸۲	تبیین مفهوم دموکراسی در دیدگاه نخبگان سیاسی شیعه در عصر مشروطه
۱۳	مبانی نظری حکومت مشروطه و مشروعه	حسین آبادیان	۱۳۷۴	بیان کلی مفاهیم نظری حکومت از نظر مشروطه و مشروعه خواهان
۱۴	رسائل مشروطیت، ۱۸ رساله و لایحه درباره مشروطیت	غلامحسین زرگری نژاد	۱۳۷۴	تبیین اندیشه های فقهی علمای مشروطه خواه پیرامون مشروطه و مفاهیم آن
۱۵	اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار	فریدون آدمیت	۱۳۵۶	تحقیق پیرامون ریشه های فکری نهضت مشروطه ملی
۱۶	حکومت قانون، قانون خواهی در ایران سده نوزده	منوچهر کمالی طه	۱۳۵۲	تبیین اهمیت قانون و قانون خواهی از نظر متفکران ایرانی سده نوزدهم
۱۷	مفهوم قانون در ایران معاصر، تحولات پیشامشروطه	داود فیرحی	۱۳۹۹	بازنمایی تحولات معنایی پیشران قانون در روند تحولی دوران پیشا مشروطه
۱۸	تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق	عبدالهادی حائری	۱۳۹۲	نقش اثرگذار مولفه های دیاسپورا ایرانی مقیم عراق در پیشبرد اهداف مشروطه

مهم ترین پژوهش هایی که پیرامون مفهوم قانون از منظر نخبگان سیاسی دوران مشروطه از قلم گذشته، دو مقاله نویسندگان، راسخ و شیخی زاده در سال های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷ هستند. آنان در پژوهش های خود



فصلنامه علمی-پژوهشی
مجموعه‌ای برای جهان اسلام

۵

بازخوانی تصویر ذهنی علما و روشنفکران عصر مشروطه از...

علمای دوره مشروطه را به دودسته مشروطه‌خواه و مشروعه‌خواه تقسیم کرده و نظرات مشابه و متفاوت آنان در مورد قانون را بیان کرده‌اند. آنان نظر اجماعی علما در مورد قانون را بیان کرده‌اند. حال آنکه در این پژوهش نظر هریک از علما و روشنفکران به صورت مجزا تجزیه و تحلیل و تبیین شده است، از این روی دارای نقطه متمایزی نسبت به مقالات پیشین است. در این پژوهش افراد شاخص دو طیف علما و روشنفکران به چهار دسته کلی تقسیم شده و نظر هر یک از آنان به صورت مجزا پیرامون قانون بیان، تحلیل و تفسیر و مقایسه گردیده است.

۲. چارچوب مفهومی

۲-۱. تصویر ذهنی

مقصود از «تصویر ذهنی» در این پژوهش عبارت است از برداشت (هایی) که علما و روشنفکران سیاسی از قانون پیدا کرده‌اند. حال این تصویر ذهنی ممکن است از طریق نوشته‌های مکتوب به دست آمده باشد و یا رسانه‌های سمعی و بصری. از سویی نیز ممکن است این تصویر نتیجه مشاهدات مستقیم نخبگان سیاسی از ساختار نظام‌های سیاسی کشورهای دیگر به دست آمده باشد (جمالزاده، ۱۳۸۴، ص. ۴۵)؛ بنابراین منظور از تصویر ذهنی آن تصویری است که نخبگان سیاسی از مفهوم پیدا کرده و سعی دارند تا به دیگران تفهیم سازند. برای نشان دادن تصویر ذهنی علما از واژه «انگاره» استفاده شده است. درواقع عباراتی همچون «انگاره قانون از منظر روشنفکران» به معنای تصویر ذهنی روشنفکران از مفهوم قانون است.

۲-۲. روشنفکران

لغت روشنفکری، ترجمه واژه فرانسوی «انتلکتنوئل»^۱ یا واژه انگلیسی «انتلکتنوئل»^۲ است. معمولاً واژه روشنفکری معنای ضمنی خلاق بودن و نقاد بودن را دربردارد. روشنفکری اولین بار در قرن نوزدهم میلادی در گفتار سیاسی استفاده شد. اصطلاح «منورالفکری» در عصر مشروطه این همانی معنایی روشن‌فکر با دلالت مفهومی روشن‌گر در قرن هجدهم است که نشانگر توجه غیرانتقادی متفکران مشروطه‌خواه به فرهنگ غرب است (احمدی، ۱۳۹۴: ۱۶).

روشنفکران جامعه ایرانی چندین نسل هستند که نخستین نسل آنان از اوائل دوره قاجاریه یعنی دوره زمامداری فتحعلی شاه به وجود آمدند. آنان عبارتند از دانشجویانی که جهت تحصیل به اروپا فرستاده

1. Intellectuel

2. Intellectual

شدند؛ همانند میرزا صالح شیرازی و پس از آن افرادی همچون ملکم خان، طالبوف، آخوندزاده و غیره. این افراد که از طبقات مختلف اشراف، کارمندان دولت، افسران ارتش، شاهزادگان سلطنتی و برخی از روحانیون بودند، قشر متمایزی را تشکیل می‌دادند که خواهان دگرگونی‌های بنیادین اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک در کشور بودند (آبراهامیان، ۱۳۸۴، صص. ۷۹-۸۰).

۲-۳. علما

مقصود از علما نیز علمای شیعه دوران مشروطه هستند که در حوزه‌های علمیه ایران یا عراق تحصیل کرده و به‌عنوان روحانی سیاسی، وضعیت داخلی جامعه و یا وضعیت کشور را در عرصه بین‌المللی از منظر دین موردبررسی قرار می‌دهند. به عبارتی علما در این پژوهش افرادی هستند که دغدغه دین داشته و نمی‌خواستند اصلاحات کشور خلل و آسیبی بر مذهب و دین‌داری مردم جامعه وارد آورد (جمالزاده، ۱۳۸۴، صص. ۴۵-۴۶). این افراد به دلیل باور به برتری و اصالت شریعت، هیچ قاعده و قانونی را برخلاف شریعت نمی‌پذیرفتند (راسخ و بخشی زاده، ۱۳۹۷، ص. ۸۷). جهت اثبات این مدعا نیز در این نوشته از مطالب همه علمای مطرح مشروطه بدون توجه به مقام، جایگاه یا سطح آنان استفاده شده است. برخی از این افراد واعظ، برخی خطیب، برخی مرجع و مجتهد هستند (جمالزاده، ۱۳۸۴، صص. ۴۵-۴۶).

۲-۴. قانون

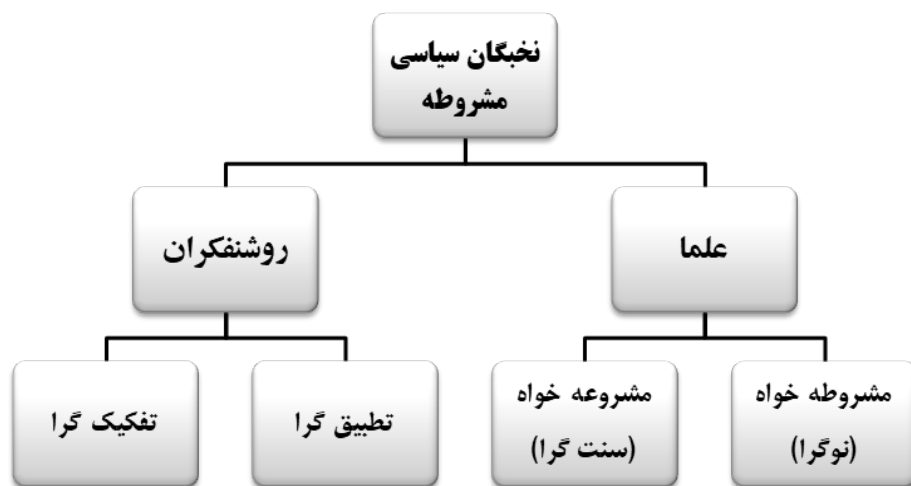
مفهوم «قانون» سال‌ها پیش از صدور فرمان مشروطه، در ایران اهمیت یافته بود لذا این مفهوم تا سال‌ها پس از صدور فرمان مشروطه با معانی مختلفی تفسیر می‌شد. مفهوم قانون نه از سنت سیاسی و دینی ایران بلکه از تحولات دنیای غرب سر برآورده بود (راسخی و شیخی زاده، ۱۳۹۳، صص. ۳ و ۵). در این پژوهش مفهوم قانون نقش محوری داشته و اموری همچون قانون خواهی، قانون‌مداری، قانون‌گرایی، قانون عرفی و قانون اساسی را نیز شامل می‌شود. در واقع در پژوهش حاضر هر گزاره‌ای در اندیشه نخبگان سیاسی مشروطه که به‌نوعی دلالت بر نظر آنان پیرامون قانون داشته است موردبررسی قرار می‌گیرد.

۳. انگاره قانون در اندیشه سیاسی علمای مشروطه

با وجود اینکه مشروطه در محدوده جغرافیایی ایران در حال اجرایی شدن بود اما علمایی که پیرامون آن به فعالیت نظری و عملی مشغول بودند تنها محدود به محدوده جغرافیایی ایران نبود، بلکه علمای شیعه حوزه نجف نیز بسیار به این مقوله اهتمام ورزیده و پیرامون آن به ارائه نظر می‌پرداختند. نکته‌ای که در این



قسمت بایستی بدان توجه داشت، تقسیم علمای دوره مشروطه به دو گروه «سنت‌گرا» و «نوگرا» است. علمای سنت‌گرا که از آنان به «مشروعه خواهان» یاد می‌شود، با تدوین قوانین بشری که در تضاد با احکام شرعی بود مخالفت کرده و فتوا به حرمت آن می‌دادند. سنت‌گرایانی نظیر شیخ فضل‌الله نوری از این دسته از علما هستند. علمای نوگرا نیز که از آنان به «مشروطه خواهان» یاد می‌شود، به دلیل عدم دسترسی به امام معصوم جهت تدوین قوانین اسلامی، قوانین عرفی وضع شده توسط بشر را پذیرفته و بر تطابق و سازگاری آن با شریعت و اصول دین تأکید داشتند (راسخ و بخشی زاده، ۱۳۹۷، ص. ۸۶). با این اوصاف جهت آگاهی با نظر این دو گروه، آراء برجسته‌ترین علمای آنان مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.



نمودار شماره (۱): تقسیم‌بندی نخبگان سیاسی مشروطه (طراحی توسط نویسندگان)

۱-۳. انگاره قانون از منظر علمای مشروطه‌خواه

محمد حسین نائینی (۱۲۳۹-۱۳۱۵)

علامه محمد حسین نائینی معروف به علامه نائینی، مجتهد درجه اول، عالم فن اصول و از شاگردان میرزا حسن شیرازی بوده (آدمیت، ۱۹۸۵، ص. ۲۲۹) که در کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله که به مثابه نخستین منشور حکومت‌داری اسلامی است، در باب ملزومات تشکیل حکومت، به مفاهیم مشروطه پرداخته است. وی در این کتاب ابتدا تشکیل حکومت اسلامی را مشروط به دو امر می‌داند. نخست تدوین قانون اساسی برای تفکیک منافع، حق و حقوق و وظایف و تکالیف افراد و نهادها. دوم نظارت قانون

بر حکومت توسط هیئت عقلا و دانایان مملکت. از نظر علامه نائینی تدوین قانون اساسی برای تمییز بین وظایف و حق و حقوق افراد و سازمان‌ها و تشکیل مجلس شورای ملی جهت ایجاد ساختاری نظارتی برای نظارت بر اجرای درست قانون در قبال افراد و سازمان‌ها و نهادها دو امر ضروری جهت تشکیل حکومت است (آدمیت، ۱۹۸۵، ص. ۲۳۴؛ نائینی، ۱۳۲۷، صص. ۱۴-۱۵). علامه نائینی در رابطه با لزوم وجود قانون و ساختار نظارتی آن بر اعمال متصدیان امور حکومت اسلامی عنوان می‌دارد همان‌طور که انجام احکام شرعی در ابواب عبادات و معاملات از سوی مقلدین نیازمند رساله‌های عملیه مجتهدین است، در امور سیاسی نیز تنظیم رفتار مسئولان با احکام شرع و نظارت بر صحت و درستی اعمال آنان بدون وجود قانون و ساختار نظارتی مشخص امکان ندارد؛ بنابراین رکن بزرگ حفاظت از سلطنت اسلامی تنظیم قانون است تا وظایفی را که متصدیان باید انجام دهند و حدود یاد شده را بر اساس مذهب و به شکل قانونی و رسمی متضمن باشد (آدمیت، ۱۹۸۵، ص. ۲۳۰).

علامه نائینی در رابطه با قانون مورد نظر خود نیز بیان می‌دارد که قانون اگر از مبادی غیردینی نشئت گرفته و با احکام شارع اختلاف داشته باشد به معنای تقابل با خداوند است لذا بایستی قانون و قانون اساسی از احکامی استخراج گردد که از سوی خداوند صادر شده باشد. نائینی در پایان با بیان این نکته که در دوران غیبت به دلیل عدم دسترسی به امام معصوم جهت تدوین قانون اساسی متناسب با زمان، برای کاستن از ظلم دستگاه جور، انسان می‌تواند متناسب با شرع و سازگار با آن به تدوین قانون بپردازد تا بدین گونه حکومت مستبده مطلقه جای خود را به حکومت مشروطه مقیده دهد. در واقع علامه نائینی تدوین قانون اساسی مشروطه توسط انسان را در جهت محدود کردن سلطنت غاصبه تفسیر می‌کند. نائینی جهت توجیه نظام دینی مشروطه و نهادهای قانونی ذیل آن، مشروطه را محلی برای تجلی اراده مردم و محدود کردن قدرت پادشاه از طریق وادار کردن او به اجرای قانون می‌داند (جمالزاده، ۱۳۸۲، صص. ۲۸۲-۲۸۳).

از نظر علامه نائینی قانون بر دو قسم است، قانون شرعی و قانون عرفی. قانون شرعی از نظر ایشان همان قانون الهی آورده شده توسط پیامبر خاتم (ص) و تدوین یافته شده توسط ائمه (ع) است که به سبب عدم دسترسی به امام معصوم در دوران غیبت، نمی‌توان چنین قوانینی وضع کرد. قانون عرفی نیز از نظر علامه قانونی است که در دوران غیبت امام معصوم و توسط متخصصان دین از احکام اسلامی استخراج می‌شود.

محمدکاظم خراسانی (۱۲۱۸-۱۲۹۰)

ملا محمدکاظم خراسانی معروف به آخوند خراسانی از بزرگان و نام‌آوران حوزه علمیه نجف بوده است. آخوند خراسانی در انقلاب مشروطه به اندازه‌ای تأثیرگذار بوده که برخی از پژوهشگران تاریخ



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های یابی جهان اسلام

معاصر وی را رهبر انقلاب مشروطه می‌نامند (شهبازی، ۱۳۸۱). قانون موردنظر و مورد تأیید آخوند خراسانی قوانین مطابق با شرع است. وی در این رابطه بیان می‌دارد:

«... و چون مذهب رسمی ایران همان دین قویم و طریقه حقه اثناعشریه صلوات الله علیهم اجمعین است، پس حقیقتاً مشروطیت و آزادی ایران عبارت از عدم تجاوز دولت و ملت از قوانین منطبقه بر احکام خاصه و عامه مستفاد از مذهب و بنیه بر اجرای احکام الهیه عز اسمہ و حفظ نوامیس شرعیه و ملیه و منع از منکرات اسلامیات و اشاعه عدالت و محو مبانی ظلم و سد ارتکابات خودسرانه و صیانت بیضه اسلام و حوضه مسلمین و...» (زرگری نژاد، ۱۳۷۴، ص. ۴۸۵). از نظر آخوند خراسانی، قانونمند شدن ایران نخستین و مهم‌ترین اولویت به شمار می‌رفت. از این روی تدوین قانون اساسی جهت قانونمند کردن کشور را امری ضروری و لازم‌الاجرا می‌دانست (رضائی پناه و ایزدی، ۱۳۹۱، ص. ۴۳). از نظر آخوند خراسانی قانون ناقص که در مرحله عمل قابلیت اجرا دارد بهتر از نبود قانون است، لذا بر این باور بود که چون امروزه به امام زمان (عج) دسترسی نداریم تا قوانین اسلامی را خود ایشان برای جامعه تدوین نمایند، بایستی به قوانین تدوین شده از سوی انسان که با احکام اسلامی تطابق داشته باشد، رضایت داده شود. در همین رابطه قانون را دو نوع می‌داند. نخست قانون الهی صادر شده از سوی خداوند که به تعبیر وی، به مثابه ناموس الهی انسان بود. این قانون تغییرناپذیر و احکام آن اصیل و لازم‌الاجرا هستند. قانون دوم قانون بشری است که واضع آن نمایندگان مردم و مجری آن نیز منتخبان نمایندگان مردم هستند. آخوند معتقد است که این قانون نباید با دین مردم ناسازگار باشد بلکه بایستی در برابر قدرت پادشاه محدودیت ایجاد کند. از نظر آخوند خراسانی، اقتضای جامعه عصر غیبت تدوین قانون عرضی است. آخوند این قانون عرضی را در مقابل قانون دینی و شرعی قرار نمی‌دهد و می‌گوید که تدوین قانون عرضی به معنای تقابل عرف با دین نیست بلکه آن را متناسب با قانون الهی می‌داند، با این تفاوت که واضع آن لزوماً خداوند و پیغمبر نیست. از این روی از قانون عرضی دفاع می‌کرد.

محمد اسماعیل محلاتی غروی (۱۲۳۱-۱۳۰۱)

شیخ محمد اسماعیل محلاتی غروی زاده محلات، از فقهای برجسته نجف و از همفکران آخوند خراسانی و عبدالله مازندرانی بوده که آثار متعددی پیرامون نظام سیاسی مشروطه از قلم گذرانده است. شیخ اسماعیل محلاتی معتقد بود که مشروطه به عنوان پلی برای حفظ سعادت دین و دنیای انسان مطرح می‌شود (عابدی اردکانی و علی پور، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۲). او در رساله اللئالی^۱ با هدف تبیین عدم مابینت

۱. اللئالی المربوطة فی وجوب المشروطة

قانون‌گذاری در مجلس با شریعت اسلامی بیان داشته‌اند که تعیین حکم شرعی و الهی در حیطه وظایف مجلس و نمایندگان آن نیست. از نظر ایشان تعیین حکم کلی شرعی بر عهده مجتهدین است (زرگری نژاد، ۱۳۷۴، ص. ۹۰) اما برای اینکه شاه مملکت به صلاح‌دید خود به هر اقدام خرابکارانه‌ای مبادرت نورزد باید قوانینی منضبط و به صواب‌دید عقلای مملکت که از طرف ملت برای شور انتخاب می‌شوند، تدوین گردد. این قوانین بایستی بر طبق قوانین اسلام و منطبق با احکام قرآن باشد (رضائی پناه و ایزدی، ۱۳۹۱، ص. ۴۱؛ زرگری نژاد، ۱۳۷۴، صص. ۴۷۵ و ۴۷۹). شیخ محمد اسماعیل محلاتی معتقد است که شریعت دو حوزه از امور شرعی و عرفی را برای مسلمانان ترسیم کرده است. از نظر محلاتی، شریعت وضع قوانین در حوزه امور شرعی را به فقیهان واجدالشرايط اختصاص داده است. در حوزه امور عرفی نیز متخصصان جامعه و کشور همچون مجلس شورای ملی می‌توانند به وضع قوانین عرفی بپردازند، به شرطی که از احکام الهی تخلفی نکنند. به کوتاه‌سخن، محلاتی وضع قوانین در حوزه امور شرعی را از وظایف فقها و مجتهدین دین و در حوزه امور عرفی را از وظایف مجلس شورای ملی می‌داند.

فاضل خراسانی ترشیزی (۱۲۵۰-۱۴)

آقا میرزا یوسف ترشیزی مشهور به فاضل خراسانی ترشیزی و شمس الافضل در ۱۲۵۰ شمسی در ترشیز استان خراسان به دنیا آمد. رساله کلمه جامعه شمس کاشمیری در معنای شوری و مشروطه و مجلس شورای ملی و توافق مشروطیت با قانون اسلامی در سال ۱۲۹۰ شمسی توسط او تألیف گردید. او در این رساله بر محور شوری برای تدوین قانون سخن می‌راند. وی در این رساله بر این باور است که دولت خلفای اولیه در صدر اسلام قانون معمول را قرآن مجید قرار داده و در مهمات امور مملکتی مشورت می‌کردند (زرگری نژاد، ۱۳۷۴، ص. ۶۰۸). وی پس از بیان ضرورت حکومت شورایی در عهد غیبت و اختصاص شور و مشورت به امور دنیوی بیان می‌دارد که وظیفه فقیه و شارع تعیین موضوعات نیست بلکه اهل خبره باید به تعیین موضوعات بپردازند (زرگری نژاد، ۱۳۷۴، صص. ۹۰-۹۱). ترشیزی بر اساس شوری جهت تأسیس قانون مملکت باور داشته و معتقد بود که جهت اداره امور مادی و دنیوی مردم جامعه بایستی با ایجاد نهادهای مشورتی به تأسیس قانونی پرداخت که با احکام و قواعد اسلامی منافاتی نداشته باشد (زرگری نژاد، ۱۳۷۴، صص. ۶۱۱-۶۱۳). قانون موردنظر ترشیزی قانونی است که برای انتظام امورات مملکت وضع می‌شود اما این قانون نباید با ضروریات مذهب رسمی مملکت مخالف باشد. از نظر وی برای جلوگیری از عدم تباین قوانین وضعی با قوانین مذهبی نیز بایستی چند تن

از وکلا از میان فقها و سیاست‌دانان انتخاب‌شده و به مجلس ورود یابند تا به تطبیق قوانین وضعی با قوانین مذهبی بپردازند.

۳-۲. انگاره قانون از منظر علمای مشروعه خواه

فضل‌الله نوری (۱۲۲۲-۱۲۸۸)

فضل‌الله نوری معروف به شیخ فضل‌الله نوری باسوادترین مجتهد تهران در زمان انقلاب مشروطه و رهبر علمای مشروعه خواه به شمار می‌رفت (آفاری، ۱۳۸۵، ص. ۷۶). برخی پژوهشگران و وابستگان نظامی انگلیسی موجود در ایران در دوران مشروطه او را «بسیار باسواد و بسیار مورداحترام مردم» توصیف کرده‌اند (شهبازی، ۱۳۸۱). او با تدوین قانون توسط انسان به معنای قانون دولتی مخالف بوده و اعتقاد داشت که قوانین انسان‌ساز شیوه‌ای جهت فریفتن مردم است. شیخ فضل‌الله نوری تدوین قانون توسط انسان را بدعت می‌دانست (راسخی و شیخی زاده، ۱۳۹۷، ص. ۹۹). از نظر شیخ قوانین دولتی همچون قوانینی در رابطه با اداره مملکت، قوانین زمین و ملک‌داری، قوانین حاکم در سیاست بین‌المللی و دیگر امور سیاسی، تنها به دوائر دولتی و حکومتی مختص بوده و ارتباطی به شرع و قوانین الهی ندارد (آجودانی، ۱۳۸۳، ص. ۳۸۷). او با بیان اینکه قوانین بایستی از سوی علمای دین تدوین شود خاستگاه قوانین را شرع می‌دانست. وی در این رابطه می‌گوید: «اما قانونی که فرمودید وضع خواهد شد، اولاً قانون ما در هزار و اندی سال قبل نوشته و به ما داده شده است؛ و بر فرض که امروز بخواهند قانونی بنویسند، باید مطابقت با قرآن و قانون محمد و شریعت احمدی داشته باشد. دیگر اینکه فرمودید برای شرع نیز حدودی بود، بدانید که برای شرع حدی نیست» (جمالزاده، ۱۳۷۷، ص. ۵۹). همچنین این جمله شیخ فضل‌الله نوری در رسائل مشروطیت که می‌گوید قانون را «طبقه روات اخبار و محدثین و مجتهدین، حفظ و ترتیب کردند» حکایت از مدعای مذکور اصالت قوانین الهی دارد (راسخ و شیخی زاده به نقل از زرگری نژاد، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۴). شیخ فضل‌الله نوری بر این باور بود که ابزار مشروطه همچون قانون بایستی بومی بوده و نباید قوانینی وضع شود که مخالف منافع مردم و متعارض با شرع باشد. او بر این باور بود که چون قانون‌گذاری با اکثریت آراء، در امور مباح به معنای ملزم داشتن مردم به رفتار به آن نوع است، بدعت به شمار رفته و حرام است. شیخ فضل‌الله و هواداران او با نفی سکولاریسم، نقش عقلانیت بشری و مادی در تدوین قوانین را ناقص دانسته و تنها به عقل الهی و قانون شرعی باور داشت زیرا از نظر او تنها قوانین الهی مشروعیت دارند.



محمدحسین تبریزی (۱۲۲۵-۱۹)

پیرامون محمدحسین تبریزی نویسنده کتاب مهم کشف المراد من المشروطه و الاستبداد، از نخستین رسالاتی که درباره عدم سازگاری مذهب تشیع با حکومت مشروطه به نگارش درآمده است، اطلاعات زیادی در دست نیست. پیرامون زمان تألیف کتاب مذکور نیز بین سال‌های ۱۲۸۶ و ۱۲۸۷ اختلاف نظر وجود دارد. شیخ محمدحسین تبریزی معتقد بود که دین اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دین بی‌نیاز از هرگونه قانون‌گذاری است. معتقد بود که با داشتن دین و کتاب قرآن که قانون کلیه الهیه و مشتمل بر احکام متعلقه بر امور دنیوی و اخروی و هر آنچه صلاح بندگان در دنیا و آخرت است، دیگری نیازی به تدوین قوانین جدید نیست (کسرای، ۱۳۹۶/۵/۸). او با این ادعا هرگونه قانون‌گذاری برای انسان و غیر انسان را غیرشرعی دانست. تبریزی در غیرشرعی دانستن این حکم بر عقل ناقص انسان در تدوین قوانین جامع و کامل و کثرت آراء باطله مردم و مقیاس‌های نادرست در قانون‌گذاری اشاره دارد (جعفری کافی آباد، ۱۳۹۴، ص. ۸۶). شیخ محمدحسین تبریزی اجتماع وکلا و نمایندگان ملت در قالب مجلس شوری برای تدوین قانون اساسی را خلاف قواعد شرعی و بی‌قاعده می‌داند. به باور تبریزی اگر مجلس شورا برای به اجرا گذاشتن احکام شریعت مطهره باشد، مشکلی ندارد اما اگر برای قانون‌گذاری باشد خلاف قاعده اسلامی است (کسرای، ۱۳۹۶/۵/۸). شیخ محمدحسین تبریزی بر این باور بود که مسلمانان احتیاجی به قانون اساسی و مجلس شورایی که اقدام به قانون‌گذاری نماید برای نظارت بر تطابق اعمال اهل مملکت با عدل و شرع قائل به لزوم مجلس بود ولی هیچ حق قانون‌گذاری برای آن متصور نبود زیرا که آن را خلاف شرع می‌دانست. او معتقد است که اگر قانونی نیاز باشد، فقها و مجتهدین با استناد به ادله اربعه به استخراج احکام و قوانین اسلامی می‌پردازند.

ابوالحسن نجفی مرندی (۱۳۴۹-۲۹)

شیخ ابوالحسن نجفی مرندی دولت‌آبادی زاده شهر مرنند در تاریخ ۱۳۴۹ و نویسنده کتاب دلایل براهین الفرقان فی بطلان قوانین نواسخ محکّمات القرآن است. وی از روحانیون مطرح حوزه علمیه نجف است که در سن ۳۵ سالگی به اجتهاد رسید (جعفری کافی آباد، ۱۳۹۴، صص. ۸۳-۸۴). شیخ ابوالحسن نجفی مرندی در کتاب دلایل و شواهد قرآنی مبنی بر اصالت مذهب شیعه و قوانین اسلامی استخراج شده از این مذهب، انطباق و تطابق کامل قوانین با احکام اسلامی، مسلمان بودن صاحب منصبان و مقامات، مذمت و قبح شوری و انعقاد مجلس شوری برای صدور قوانینی به غیر از قوانین اسلامی، مذمت بدعت



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۲

سال یازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰

۱. تاریخ فوت ایشان نامشخص است.

۲. تاریخ فوت ایشان نامشخص است.

و اختراع قوانین جدید و غیره ذکر کرده است (زرگری نژاد، ۱۳۷۴، صص. ۲۲۳، ۲۳۶، ۲۴۳). شیخ ابوالحسن نجفی مرندی معتقد بود در هر موضوعی هر میزان قانون اختراع شود به همان میزان قوانین اختراعی جایگزین احکام الهی شده و به همان اندازه از اسلام کاسته شده و همان اندازه احکام الهی از بین می‌رود؛ بنابراین این قوانین ساخته دست بشر صرفاً برای از میان بردن اسلام است. شیخ ابوالحسن نجفی مرندی قانون اصیل را قوانین الهی دانسته و قوانین بشری را اختراع شده نامیده و معتقد بود که این قوانین ساخته شده به دست انسان نقصان‌های زیادی دارد که موجب گمراهی انسان می‌شود، لذا تدوین و اختراع آن حرام است.

۴. انگاره قانون در اندیشه سیاسی روشنفکران مشروطه

روشنفکران مشروطه افرادی بودند که یا از نزدیک شاهد پیشرفت و توسعه جوامع غربی بوده یا در این رابطه مطالعاتی داشته و مطالبی شنیده بودند. روشنفکران مشروطه را افرادی تشکیل می‌دهند که به شدت به دنبال توسعه ایران بر اساس الگوی غربی بودند. برخی از مهم‌ترین افرادی که به شدت به دنبال اجرای قانون در ایران بر اساس الگوی غربی آن بودند در ذیل به دودسته تقسیم گشته‌اند. نخست گروهی که به سازگاری قوانین عرفی با شرع مقدس اعتقاد نداشته و سعی در تفکیک دو حوزه عرف و شرع داشته که در این پژوهش از آنان به روشنفکران «تفکیک‌گرا» یاد می‌شود. گروه دوم نیز افرادی بودند که به تطبیق دو حوزه عرف و شرع اعتقاد داشته و معتقد بودند که قوانین عرفی و شرع مقدس قابلیت سازگاری و انطباق با یکدیگر را دارند که از آنان به روشنفکران «تطبیق‌گرا» یاد شده است.

۱- ۴. انگاره قانون از منظر روشنفکران تطبیق‌گرا

میرزا ملکم خان ناظم الدوله (۱۲۱۳-۱۲۸۷)

میرزا ملکم خان ناظم الدوله معروف به میرزا ملکم خان، میرزا ملکم خان ارمنی و پرنس ملکم خان، معروف‌ترین و تأثیرگذارترین روشنفکر در میان روشنفکران مشروطه است که در جلفای نواصفهان به دنیا آمد. پدر وی که از شیفتگان تمدن غربی بود، او را جهت تحصیل راهی فرانسه می‌کند. ملکم خان نیز در فرانسه تحت تأثیر آموزه‌های غربی به‌ویژه فلسفه سیاسی معاصر و مبحث دین و انسانیت آگوست کنت قرار می‌گیرد (آبراهامیان، ۱۳۸۴، صص. ۸۴-۸۵). میرزا ملکم خان همواره دغدغه پیشرفت و توسعه ایران را داشت اما دین و فرهنگ دینی مردم ایران را مانعی در این مسیر می‌دانست (راسخ و بخشی زاده به نقل از ناظم الدوله، ۱۳۸۱، ص. ۱۶۳). نبود قانون از نظر وی عامل تمام مشکلات مردم ایران است (حقدار،



۱۳۸۰، ص. ۳۲۵). از نظر او بهترین روش برای نیل به توسعه و پیشرفت اجرای تمام و کمال آیین تمدن غربی در ایران است. آیین حکمرانی، قانون و نظم دولت از مهم‌ترین اصولی بود که ملوک از آن یاد می‌کرد که بایستی در جامعه ایرانی اجرا شود (آجودانی، ۱۳۸۳، ص. ۲۸۳).

ملوک خان در ابتدا بسیار به قانون غربی اعتقاد داشت و هرگونه قانونی به‌غیر از قانون غربی را بیهوده و بی‌فایده می‌دانست (افضلی، ۱۳۹۷، ص. ۷۷) اما پس از تلاش فراوان و ناکامی در جهت پیاده‌سازی الگوی حکومتی و ساختار قانونی کشورهای غربی در ایران، سعی کرد از راه دین به این امر مبادرت ورزد. در واقع علما که مهم‌ترین مانع در مسیر الگوی غربی مورد نظر ملوک خان بودند موجب می‌شوند تا وی از راه دین و با زبان علما اهداف خود را دنبال کند. او با تغییر ادبیات گذشته، روزنامه قانون را تأسیس می‌کند تا با زبان مذهبی و اسلامی تأسیس حکومت پارلمانی و مجلس شورا را دنبال کند (آقاری، ۱۳۸۵، ص. ۴۷). او در نخستین شماره روزنامه قانون نظر خود در رابطه با قانون مطلوب را بیان کرده و عنوان می‌دارد که تمام امور مملکت بایستی بر اساس قانون انجام شود (رائین، ۱۳۵۳، ص. ۱۱۳). وی در این مطلب می‌نگارد که در طول سالیان گذشته قوانین مطلوب توسط پیامبران و حکیمان پیشین نگاشته شد بنابراین کامل‌ترین اصول قانونی در اسلام معرفی است. از این روی او قوانین حقیقی و کامل را در اصول اسلامی معرفی می‌کند اما به شیوه اجرای این قوانین با شک و تردید می‌نگرد (ناظم الدوله، ۲۵۳۵، ص. ۲۶).

میرزا ملوک خان در سرمقاله شماره ۶ و ۱۲ روزنامه قانون بیان می‌دارد که هدف و خواسته وی ایجاد قوانین جدید نیست بلکه به دنبال اجرای صحیح اصول و قوانین پیشین آورده شده توسط پیامبر (ص) و آموزش داده شده توسط علما است (آجودانی، ۱۳۸۳، صص. ۳۱۷ و ۳۲۴؛ ناظم الدوله، ۲۵۳۵، صص. ۴۷ و ۷۱). او بار دیگر در شماره ۱۷ روزنامه قانون تنها راه برون‌رفت کشور از مشکلات و آغاز روند ترقی و پیشرفت آن را اجرای قوانین مقدس دینی معرفی می‌کرد (آجودانی، ۱۳۸۳، ص. ۳۲۶). این در حالی است که در ادامه مطالب خود به‌صورت نرم از قوانین عقلی در مقابل قوانین الهی (اسلامی) سخن به میان آورده و سعی در ایجاد نوعی دوگانگی میان قوانین عقلی و قوانین اسلامی می‌کند (آجودانی، ۱۳۸۳، ص. ۳۰۹). ملوک خان قوانین غربی تدوین یافته توسط بشر را به‌مثابه راه حل اصلی برطرف ساختن مشکل ساختار قانونی کشور می‌دانست اما وقتی با مانع جدی علما مواجه می‌شود، سعی می‌کند با زبان دین و با حفظ خطوط قرمز علمای شیعه مقصود خود را با ادبیات دینی بیان کند. تلاش کرد مفاهیم دینی را با گزاره‌های اسلامی در جامعه مذهبی ایران تبیین ساخته سپس با ساختار اجرایی و نظارتی غربی به اجرا درآورد. به همین دلیل بود که دائم در نگاشته‌های خود در روزنامه قانون، قوانین مورد نظر خود را قوانین



برخاسته از اسلام معرفی کرده اما شیوه اجرا و نظارت آن را محل بحث می‌دانست. او قانون را نه اراده شاه، بلکه اراده ملت می‌دانست. در پایان اینکه ملکم خان واضع قانون را ملت معرفی کرده و بیان داشت وضع هر قانونی بایستی به تأیید اکثریت مردم برسد.

میرزا عبدالرحیم طالبوف (۱۲۱۳-۱۲۹۰)

میرزا عبدالرحیم مشهور به طالبوف که در آثارش خود را با عناوین دیگری همچون طالب‌زاده تبریزی، نجارزاده و طالبوف نجارزاده معرفی کرده، از روشنفکران عامه‌پسند عصر مشروطه بوده که توجه ویژه‌ای به معنا و واضع قانون داشته است (طالبوف، الف ۲۵۳۶، ص. ۱۲۵). او قانون را یکی از عوامل پیشرفت مغرب زمین می‌داند. از نظر طالبوف بدون وجود قانون ظلم و استبداد ریشه‌کن نمی‌شود و مردم به استقلال نخواهند رسید. وی بیان می‌دارد که تا قانون وجود نداشته باشد ملت، وطن، دولت و استقلال معنی نخواهد یافت (جمالزاده، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۳؛ حقدار، ۱۳۸۰، ص. ۳۲۵).

طالبوف معتقد است که چون انسان‌ها در تدوین قانون ممکن است اختلاف سلیقه داشته باشند، تدوین قانون به رأی اکثریت گذاشته می‌شود. وی رجوع به آراء اکثریت را راه‌حلی برای ایجاد نظم و جلوگیری از کشمکش را ضروری می‌داند (جمالزاده، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۶). او منبع قانون‌گذاری را اقتدار ملت دانسته و بر این باور بود که قانون باید درخور مصالح جمهور باشد و تنها این جمهور هستند که می‌توانند مصالح را جهت قانون‌گذاری تشخیص دهند (راسخ و شیخی زاده به نقل از طالبوف، ۱۳۵۷، ص. ۱۲). طالبوف معتقد بود که قانون هر دوره‌ای متعلق به همان دوره است. مقصود وی این بود که قوانین که در سالیان گذشته برای انسان تصویب شدند متعلق به همان دوره بوده و در این زمان از اعتبار ساقط هستند بنابراین بایستی قوانین جدیدی متناسب با این زمان تصویب شود (راسخ و شیخی زاده به نقل از طالبوف، ب ۲۵۳۶، ص. ۹۴). از نظر او قانون شامل دو بخش مادی و معنوی است. قوانین معنوی شامل قوانینی است که پیامبران از طریق وحی آورده‌اند. قوانین مادی نیز شامل قوانینی است که منبع آن اراده ملت بوده و توسط خردمندان و اندیشمندان کشور تدوین می‌شوند. از نظر وی هر دو قسم قانون مذکور قوانین لازم و موردنیاز مردم است. طالبوف برای قانون مادی یا وضعی بشر نیز تأثیری در حد تأثیر قوانین الهی قائل است. طالبوف قانون را برای اداره کشور و دوری از هرج و مرج لازم می‌دانست. وی اراده عمومی و اقتدار ملت در تدوین قانون را امری غیرقابل انکار برمی‌شمرد که موجب اعتدال و نظم در جامعه می‌گردد.

میرزا یوسف خان مستشارالدوله (۱۲۳۹-۱۳۱۳)

میرزا یوسف خان مستشارالدوله معروف به مستشارالدوله فردی آزادیخواه، قانون طلب و از مدافعان



ترقی و تجدد ایران بود. وی همواره دغدغه قانونمندی ایران را داشته و در این رابطه نیز آثاری نگاشته که مهم‌ترین آن رساله یک کلمه است. مستشارالدوله در این رساله در تعریف قانون که با عبارت «کود^۱» از آن نام می‌برد، چنین می‌نویسد: «جميع شرایط و انتظامات معمول بها که به امور دنیوی تعلق دارد». میرزا یوسف خان نخستین فردی است که با نگارش رساله مذکور مبانی حقوق جدید را به ایران آورد (ازغندی و عامری گلستانی، ۱۳۸۹، ص. ۲۹). او نخستین نویسنده‌ای در ایران است که منشأ و قدرت دولت را اراده ملت دانسته و همانند میرزا ملکم خان مردم را مسئول تدوین قوانین معرفی کرد (آجودانی، ۱۳۸۳، ص. ۲۶۵). یوسف خان مستشارالدوله قوانین موجود در غرب که به موجب آن مردم در امر قانون‌گذاری مشارکت دارند را مطلوب و قوانین شرق را که مردم در تدوین آن نقشی نداشتند را نامطلوب می‌دانست (عباسی و یعقوبی به نقل از مستشارالدوله، ۱۳۸۶، صص. ۲۱-۲۳).

میرزا یوسف خان مستشارالدوله با ارائه مفهوم جدیدی از قانون و تحول در مضامین آن، بر جدایی قوانین و شرع اشاره داشته و بیان می‌دارد که کتاب عبادت و معاد بایستی از کتاب سیاست و معاش جدا باشد (راسخ و شیخی زاده به نقل از مستشارالدوله، ۱۳۸۶، ص. ۲۸). مستشارالدوله عقل بشری را برای وضع قوانین شایسته دانسته لذا بر وضع قوانین بشری در بستر جامعه‌ای شرع مدار تأکید داشت (راسخ و شیخی زاده، ۱۳۹۳، ص. ۱۴). او قبول و تأیید ملت را اساس قانون‌گذاری در مشروطه می‌داند. مستشارالدوله با توجه به آنچه از قانون اساسی فرانسه آموخته بود، رضایت ملت در قانون‌گذاری را اصل می‌دانست، بدین صورت که ملت با انتخاب وکلای خود در خانه ملت، به صورت غیر مستقیم در قانون‌گذاری به ایفای نقش می‌پردازند (راسخ و شیخی زاده، ۱۳۹۳، ص. ۸). مستشارالدوله قانون را بر دو نوع می‌دانست، قانون الهی و قانون بشری. قانون الهی از منظر مستشارالدوله به اموری فراتر از سیاست و معاش انسان می‌پردازد. قانون بشری نیز برای اداره امور دنیوی انسان‌ها تدوین می‌شود. در تدوین قوانین بشری نقش، اراده و رضایت مردم شرط اساسی است. وی وجه مطلوب قانون را حاصل گذار از شکل قدیم قانون (که مردم در آن نقشی نداشتند) به شکل جدید آن (که مردم در تدوین آن نقش دارند) می‌داند.

۲-۴. انگاره قانون از منظر روشنفکران تفکیک‌گرا

میرزا فتحعلی آخوندزاده (۱۱۹۱-۱۲۵۷)

میرزا فتحعلی آخوندزاده که به صورت اختصار به او آخوندزاده می‌گویند در خانواده‌ای بازرگان پیشه در آذربایجان دیده به جهان گشود. تحصیلات خود را با علوم و دروس دینی آغاز کرد اما به تدریج از این



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه‌ای برای جهان اسلام

علوم فاصله گرفته و از اندیشه‌های غربی تأثیر پذیرفت. آخوندزاده با آگاهی از تغییر وضع جهان و آشنایی با علوم و دانش‌های جدید، انتقاد از بینش سنتی را سرلوحه خود قرار داد (خلخال و پوزش، ۱۳۹۵، ص. ۹۴؛ حقدار، ۱۳۸۰، ص. ۳۲۷). وی از شاخص‌ترین نماینده فکری روشنفکران تفکیک‌گراست، اسلام و علمای اسلامی را عامل اصلی عقب‌ماندگی مسلمانان از عرصه مختلف تمدن و پیشرفت می‌دانست (جمالزاده و منتظری، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۶). وی عقب‌ماندگی و ضعف جامعه ایران را ریشه در استبداد سیاسی حکومت و تحجر مذهبی می‌دانست (سعیدی،) لذا به ناسازگاری قانون و شرع معتقد بوده و خواهان قانون و حکومتی غیردینی در ایران است (راسخ و شیخی زاده، ۱۳۹۳، ص. ۱۸).

میرزا فتحعلی آخوندزاده معتقد بود که علمای روحانی بایستی تنها به اموری چون وعظ و پیش‌نمازی و ازدواج و طلاق و دفن اموات بپردازند. این رویکرد آخوندزاده برگرفته از تعارض نگرشی وی با روحانیت است زیرا او روحانیت را عامل اصلی جدایی مردم از سلطنت دانسته و معتقد بود که روحانیت بایستی منزوی گردد (آجودانی، ۱۳۸۳، ص. ۵۰). میرزا فتحعلی آخوندزاده بر وضع قوانین و تغییر آن به اقتضای زمان تأکید داشت لذا زمانی که وضعیت قانون اساسی اروپا را مطالعه کرد به این نتیجه رسید که بایستی منشأ قدرت دولت در اختیار مردم گذاشته شود (راسخ و شیخی زاده، ۱۳۹۳، ص. ۹). وی برخلاف دیگر روشنفکران تطبیق‌گرا، به جای تلاش جهت تطبیق و سازگاری عرف و شرع، خواهان تفکیک میان آنان بود زیرا قانونی که وی مدنظر داشت قانونی مستقل از هرگونه عقیده شرعی بود (راسخ و شیخی زاده، ۱۳۹۳، ص. ۱۰ و ۱۹). میرزا فتحعلی آخوندزاده طرفدار و خواهان قانون بود، اما نه قوانین اسلامی بلکه قوانینی که ریشه در فرهنگ و تمدن غرب داشته باشد. وی مدافع قانون اساسی غرب بوده و خواهان تفکیک مطلق سیاست و مذهب بود. قانون مدنظر آخوندزاده قانونی بود که بر هویت ملی و زندگی دنیوی و توسعه و مدرنیسم تأکید داشته باشد.

سید حسن تقی زاده (۱۲۵۷-۱۳۴۸)

سید حسن تقی زاده که در خانواده‌ای روحانی چشم به جهان گشوده بود، هم علوم سنتی دینی را آموخت و هم به فراگیری علوم جدید غربی مرتبط با حقوق شهروندان در اجتماع مبادرت ورزید. وی جهت یادگرفتن این علوم به فراگیری زبان‌های فرانسوی و انگلیسی اقدام کرد و از این‌روی توانست با ادبیات اروپا و آثار سیاسی آنان آشنا شود. تقی زاده همچنین به مطالعه آثار روشنفکران دوران مشروطه همچون ملکم خان، طالبوف و مراغه‌ای پرداخت و پس از آن با تأسیس کتابخانه به فروش کتب ادبیات اروپایی مشغول شد (آفاری، ۱۳۸۵، صص. ۶۴-۶۵). او روابط بسیار تنگاتنگی با انگلستان و سفارت آن کشور

در ایران داشته و در نهایت هم به این سفارت پناهنده شد (رسول‌زاده، ۱۳۷۷، صص. ۳۳۶-۳۳۷).

سید حسن تقی زاده به عنوان رهبر اقلیت تندروی مجلس مشروطه از دخل و تصرف علما در متمم قانون اساسی مشروطه ممانعت به عمل می آورد زیرا اعتقاد راسخی بر تدوین قانون اساسی بر اساس قوانین اساسی کشورهای غربی داشت. از این روی هنگام حضورش در مجلس تلاش زیادی کرد تا قانون اساسی دوران مشروطه بر اساس قانون اساسی بلژیک و حدودی قانون اساسی فرانسه و اندکی نیز قوانین بلغارستان و بالکان تدوین شود (آفاری، ۱۳۸۵، ص. ۱۳۶). اورستگاری کشور را در نهادهای سازی مؤلفه های غربی در آن می دانست. از نظر او الگو و اصول غربی قابلیت عینی و اجرایی شدن در جامعه ایران را داشت به همین دلیل در راستای غربی کردن قواعد و قوانین کشور تلاش گسترده ای می کرد (محمدزاده، ۱۳۹۴، ص. ۱۴۸). سید حسن تقی زاده راه حل عقب ماندگی کشور را در تبعیت از تمدن غربی و اجرای کامل قوانین غربی در کشور می دانست. تقی زاده قانون مطلوب را قانون کشورهای پیشرفته غربی می دانست و جهت اجرای قوانین بسیاری از این کشورها نیز تلاش می کرد. او با اصل دوم متمم قانون اساسی مبنی بر نظارت پنج مجتهد بر تدوین قانون اساسی مخالفت کرد.

۵. مقایسه تصویر ذهنی علما و روشنفکران در زمینه قانون

انگاره قانون یکی از چالشی ترین مفاهیم مورد بحث میان نخبگان سیاسی دوران مشروطه بوده است. این اختلاف نگرش میان نخبگان سیاسی سبب تقسیم بندی آنان به چهار طیف مذکور گردید. علمای مشروعه خواه با اشاره به خاتمیت پیامبر اکرم (ص) بر این باور بودند که دین اسلام کامل ترین دین است و تنها قوانین الهی صلاحیت قانون بودن را دارند. آنان انسان را فاقد صلاحیت قانون گذاری ندانسته و تدوین قانون توسط او را بدعت می شمارند لذا انگاره قانون از منظر آنان شرع مقدس و احکام اسلامی است. از نظر این گروه تنها در برخی مواقع که جامعه اسلامی نیاز به حکم و قاعده جدیدی پیرامون حوادث نوظهور است، مجتهدین مجاز به استخراج قواعد و قوانین از احکام اسلامی خواهند بود. علمای مشروطه خواه نیز با اعتقاد به اصالت و حقانیت احکام اسلامی و شرع مقدس به عنوان قوانین اصیل و کامل، معتقد بودند که به سبب عدم دستیابی به امام معصوم جهت تدوین قوانین اسلامی اصیل، بایستی به قوانین عرفی منطبق با احکام اسلامی اکتفا کرد. انگاره قانون از منظر آنان قواعد و قوانین عرفی صادر شده توسط متخصصانی است که در چارچوب شرع مقدس باشد. این گروه علما و مجتهدین را موظف به نظارت بر این قوانین جهت جلوگیری از صدور قوانین متباین با اسلام می دانند.



فصلنامه علمی-پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌العلم الاسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

اکثر روشنفکران تطبیق‌گرا نیز بر دودسته‌ی از قوانین اعتقاد داشتند. قوانین الهی و قوانین بشری. از نظر این روشنفکران قوانین الهی که در واقع همان احکام اسلامی بوده و برای تعیین حدود و تکالیف شرعی انسان‌ها از سوی خداوند نازل شده برای امور اخری است. قوانین بشری نیز از نظر آنان قوانینی است که توسط اکثریت آراء مردم برای تنظیم روابط اجتماعی و امور معیشتی و دنیوی صادر می‌شود. البته بایستی عنوان داشت که میان برخی از روشنفکران تطبیق‌گرا نیز اختلاف‌نظرهایی وجود دارد. برای نمونه ملکم خان از تطبیق‌قانون با اسلام سخن می‌گوید جهت استفاده‌ی ابزاری از دین برای پیشبرد اهداف خود؛ اما افرادی چون طالبوف یا مستشارالدوله واقعاً اعتقاد به تطبیق میان قوانین الهی و عرفی داشته‌اند. روشنفکران تفکیک‌گرا نیز به سبب علاقه، ایمان و اعتقاد به تمدن و قوانین غربی، قانون را قواعد و قوانین عرفی می‌دانند که به یمن آن تمام روابط اجتماعی انتظام یافته و قاعده‌مند می‌شود. روشنفکران تفکیک‌گرا به سبب ایمان و اعتقاد به قانون غربی، اجرایی شدن قوانین غربی در کشور را تنها راه‌حل مشکلات کشور و نیل به توسعه می‌دانستند. این گروه به دلیل اینکه از سویی با مخالفت شاه و درباریان مواجه بودند و از سویی نیز با علمای مشروطه تقابل داشتند، در صدد بودند تا قوانین عرفی را به تصویب اکثریت مردم برسانند تا بتوانند از پشتوانه مردمی برخوردار گردند. این گروه که بر عدم کفایت احکام شرعی موجود در رفع مشکلات جامعه اصرار داشتند، قواعد و قوانین عرفی صادر شده توسط انسان را به کلی متفاوت از احکام و قواعد اسلامی می‌دانستند.

انگاره قانون در سپهر اندیشه‌ای نخبگان سیاسی دوران مشروطه			
انگاره قانون		مشروطه‌خواهان	نخبگان سیاسی دوران مشروطه
محمدحسین نائینی	تنظیم قانون به مثابه رکن بزرگ حفاظت از اسلام- لزوم تنظیم قانون برای کاستن از دامنه ظلم و غصبیت سلطنت- لزوم تدوین قانون در چارچوب شرع- لزوم قانون جهت اعمال محدودیت بر سلطنت مطلقه.		
ملا محمدکاظم خراسانی	لزوم تدوین قانون اساسی در چارچوب شرع مقدس با استناد به احکام اسلامی نسبت در عصر غیبت.		
محمد اسماعیل محلاتی	تقسیم قوانین به عرفی و الهی- تدوین قوانین عرفی توسط مجلس شورای ملی در چارچوب شرع مقدس.		
فاضل خراسانی	لزوم ایجاد شوری برای تدوین قانون- لزوم عدم تباین قانون تدوین شده توسط شوری با احکام اسلامی.		

علماء	مشروع خواهان	فضل الله نوری	اسلام و احکام اسلامی به مثابه قانون اصیل و غیر قابل تغییر - تدوین قانون اساسی به مثابه بدعت - تدوین قانون روشی جهت فریفتن انسان - ناقص بودن قوه عاقله انسان و حرمت تدوین قانون اساسی توسط انسان.
		ابوالحسن نجفی مرندي	قانون الهی به مثابه قانون اصیل - حرمت تدوین قوانین بشری به سبب اختراعی و ساختگی بودن قوانین بشری - حرمت جایگزین شدن احکام اختراعی و تدوینی بشر با احکام اسلامی و از بین بردن احکام اسلامی.
		محمدحسین تبریزی	احکام و قواعد اسلامی به مثابه قانون اصیل - حرمت تدوین قانون به سبب ناقص بودن عقول انسان در باطل بودن اکثریت آراء مردم.
روشنفکران	تطبیق گرایان	میرزا ملکم خان ناظم الدوله	لزوم اجرای تمام آئین و قوانین غربی در ایران - لزوم تدوین قوانین جدید در صورت عدم امکان اجرای قوانین غربی در کشور - پذیرش احکام اسلامی به مثابه قانون - لزوم تدوین قانون توسط اکثریت مردم.
		میرزا عبدالرحیم طالبوف	تفکیک قوانین به دینی و دنیوی - لزوم تدوین قوانین جدید با رعایت قواعد اسلامی - آراء و اراده مردم به عنوان منبع تدوین قوانین.
		میرزا یوسف خان مستشارالدوله	لزوم تفکیک قوانین عرفی و قوانین شرعی از همدیگر - توانایی عقل انسان جهت تدوین قوانین مناسب برای جامعه - لزوم عدم تعارض قوانین عرفی با احکام شرعی - لزوم مشارکت و رضایت مردم در تدوین قانون.
	تفکیک گرایان	میرزا فتحعلی آخوندزاده	منسوخ بودن قوانین دینی - لزوم اتخاذ قوانین غربی و به پیرو آن تأکید بر ملی گرایی و مدرنیسم جهت رهایی از عقب ماندگی.
		سید حسن تقی زاده	لزوم اجرای قوانین کشورهای غربی در ایران - عدم تغییر متمم قانون اساسی مشروطه که بر اساس قوانین اساسی کشورهای غربی تدوین یافته است - اجرای کامل قوانین غربی راه حل عقب ماندگی کشور - نهادهای سازی مؤلفه های غربی در کشور راه حل رستگاری.

جدول شماره (۲): مفهوم قانون از منظر نخبگان سیاسی مشروطه

نتیجه گیری

هر چهار دسته از نخبگان مشروطه به دنبال رفع مشکل عقب ماندگی ایران و رهایی آن از استبداد داخلی و استعمار خارجی بوده اند تا بدین سبب به توسعه، پیشرفت، عدالت و آزادی نائل آیند اما به سبب برخورداری از تصویر ذهنی خاص از قانون، کنش های متفاوت و حتی مخالف و متعارض از آنان پدید می آمد. مشروطه خواهان روشنفکر به دنبال مشروطه ای بر مبنای اصول غربی بودند که در آن انسان محور بوده و مبنای قدرت سیاسی عقل انسان باشد. به همین دلیل قوانین مشروطه را قوانین منتج از ذهن بشر دانسته و قائل به عدم دخالت شرع در سیاست و تدوین قوانین جهت نیل به توسعه بودند. در پی این نگرش، تطبیق گرایان به زمینه دینی جامعه ایرانی و اهمیت آموزه های اسلامی در نزد مردم و رهبران سنتی و دینی آنان توجه داشته، لذا در پی این بودند تا در کنار قوانین اسلامی، به اجرای قوانین غربی نیز بپردازند. در حالی که برخی از این قوانین با آموزه های اسلامی تعارض داشته و اعتراضاتی را از سوی جامعه دینی ایران در پی می داشت لذا نمی توانست در جامعه ایرانی عملیاتی شود. این گروه بر این باور بودند که تدوین قوانین انسانی بایستی توسط اکثریت مردم و با کنش مستقیم آنان صورت پذیرد، در حالی که عامه مردم ممکن است از بسیاری از مشکلات و مصالح و مصلحت های جامعه آگاه نبوده و به قوانینی برخلاف مصلحت جامعه و خود بپردازند. در مقابل تطبیق گرایان، روشنفکران تفکیک گرا وجود داشتند که با مخالفت صریح و آشکار با آموزه های اسلامی و دینی، این قواعد را مانع رهایی ایران از بند عقب ماندگی می دانستند. اندیشه این گروه نیز نمی توانست در جامعه اسلامی ایران جایگاهی داشته باشد. در میان طیف علما و روحانیون مشروطه، گروه مشروعه خواه در تعریف قانون و تدوین قانون اساسی، بر احکام و آموزه های اصیل اسلامی به عنوان خاستگاه و منشأ قانون گذاری تأکید داشته و تدوین قانون توسط انسان را بدعت به شمار می آورند. این درحالیست که جهت حل ابهامات و مشکلات حوادث مستحدثه در جامعه اسلامی که در پی نیل به توسعه و پیشرفت است، به ناچار تدوین قانون توسط انسان ضروری می نمایند، چراکه از رهیافت آموزه ها و احکام اسلامی می توان به مشکلات نوظهور جامعه در حال توسعه پاسخ داد. دقیقاً همانند رهیافتی که علمای مشروطه خواه در پیش گرفتند. علمای مشروطه خواه در تعریف و تدوین قانون بر ضرورت کنش جمعی از علما و مجتهدین آگاه به اسلام و آموزه های اسلامی تأکید داشته تا بتوانند متناسب با نیاز وقت جامعه، به تدوین قوانین بپردازند. این گروه از علما بر نقش غیر مستقیم مردم در تدوین قانون یعنی توسط نمایندگان خود در مجلس قانون گذاری اعتقاد و تأکید دارند. این رهیافت صائب ترین رهیافتی است که می تواند به نیازها و ابهامات جوامع در حال توسعه که دارای صبغه دینی و اسلامی هستند پاسخگو باشد.



کتابنامه

۱. احمدی، بابک (۱۳۹۴)، کار روشنفکری، چاپ ششم، نشر مرکز، تهران، ایران.
۲. ازغندی، علیرضا و عامری گلستانی، حامد، (۱۳۸۹)، مبانی اندیشه قانون‌گرایی میرزا یوسف خان مستشارالدوله، دوره ۲، شماره ۴، ۲۷-۶۲.
۳. افضل‌ی، اسلام، (۱۳۹۷)، بازخوانی نهضت مشروطه ایران، چاپ دوم، نشر اشراق حکمت، قم، ایران.
۴. آبادیان، حسین، (۱۳۷۴)، مبانی نظری حکومت مشروطه و مشروعه، نشر نی، تهران.
۵. آبراهامیان، پروانه (۱۳۸۴)، ایران بین دو انقلاب، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی و لیلایی، چاپ یازدهم، نشر نی، تهران.
۶. آجودانی، ماشاءالله، (۱۳۸۳)، مشروطه ایرانی، چاپ پنجم، نشر اختران، تهران، ایران.
۷. آدمیت، فریدون (۱۳۶۳)، اندیشه‌های طالبوف تبریزی، چاپ دوم، چاپ پدیده، تهران، ایران.
۸. آدمیت، فریدون، (۱۳۵۶)، اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، نشر خوارزمی، تهران.
۹. آدمیت، فریدون، (۱۹۸۵)، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، جلد نخستین، چاپ دوم، انتشارات کانون کتاب ایران، سوئد.
۱۰. آقاری، ژانت، (۱۳۸۵)، انقلاب مشروطه ایران، ۱۹۰۶-۱۹۱۱، ترجمه رضارضایی، نشر بیستون، تهران، ایران.
۱۱. جعفری کافی آباد، صابر (۱۳۹۴)، فرهنگ سیاسی علمای سنتی دوران مشروطه؛ با تأکید بر آرای شیخ ابوالحسن نجفی مرندی و محمدحسین تبریزی، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۲، شماره ۲، ۶۳-۱۰۰.
۱۲. جمالزاده، ناصر (۱۳۸۲)، «دموکراسی در منظر اندیشمندان شهیر شیعه»، مصاحبه توسط مهرنوش آباذه‌ای زاده، فصلنامه راهبر، شماره ۲۸، ۲۸۶-۲۸۰.
۱۳. جمالزاده، ناصر (۱۳۸۷)، «ویژگی‌های تاریخی و جامعه‌شناسی اندیشه سیاسی طالبوف تبریزی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۴ (۱)، ۱۴۸-۱۰۹.
۱۴. جمالزاده، ناصر، (۱۳۷۷)، تنوع گفتمانی علمای شیعه در عصر مشروطیت - قسمت اول، فصلنامه علوم اجتماعی، دین و ارتباطات، تابستان و پاییز ۱۳۷۷، شماره ۶ و ۷، از ۴۵ تا ۷۸.
۱۵. جمالزاده، ناصر، (۱۳۸۴)، علمای شیعه در عصر مشروطه و انگاره سلطه بر غرب، دانش سیاسی، بهار و تابستان ۱۳۸۴، شماره ۱، از ۴۳ تا ۶۶.
۱۶. جمالزاده، ناصر، و منتظری، مصطفی (۱۳۹۰)، «بررسی دکترین سیاسی - فرهنگی میرزا ملکم خان ناظم الدوله»، فصلنامه مطالعات سیاسی، ۴ (۱۳)، ۱۹۲-۱۶۳.
۱۷. جهان‌بین، فرزاد، (۱۳۸۵)، بررسی علل اختلاف علمای مشروطه‌خواه و مشروعه‌خواه در قبال مشروطه و مفاهیم مرتبط با آن، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، سال دهم، شماره ۳۸، ۵۸-۸۲.
۱۸. حائری عبدالهادی (۱۳۹۲)، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.
۱۹. حقدار، علی اصغر (۱۳۸۰)، فراسوی پست‌مدرنیته - اندیشه شبکه‌ای، فلسفه سنتی و هویت ایرانی، تهران: شفیعی.
۲۰. خلخالی، سید محی‌الدین و پوزش، محمد، (۱۳۹۵)، بررسی جریان‌های فکری عصر مشروطه، تاریخ‌نامه خوارزمی، فصلنامه علمی - تخصصی، سال چهارم، پاییز ۱۳۹۵، ۹۳-۱۱۷.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۲۲

سال یازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰



۲۱. دبیرنیا، علیرضا و جلیلی مراد، آیت‌الله و شجاعی، عبدالسعيد، (۱۳۹۶). رویکرد دینی حاکمیت قانون در نظام مشروطه ایران، فصلنامه تخصصی دین و قانون، شماره ۱۵، ۱۰۰-۱۳۵.
۲۲. راسخ، محمد و بخشی زاده، فاطمه (۱۳۹۲). پیش‌زمینه مفهوم قانون در عصر مشروطه: از مالک الرقابى تا تنظیمات، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۳، ۶۱-۳۸.
۲۳. راسخ، محمد و بخشی زاده، فاطمه (۱۳۹۳). «مفهوم قانون در عصر مشروطه: نویسندگان متقدم»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۶۸، ۲۳-۱.
۲۴. راسخ، محمد و بخشی زاده، فاطمه (۱۳۹۷). «شرع‌گرایان و قانون در عصر انقلاب مشروطه»، مجله حقوقی دادگستری، ۸۲ (۱)، ۸۵-۱۱۶.
۲۵. رانین، اسماعیل (۱۳۵۳). «میرزا ملکم خان و زندگی و کوشش‌های سیاسی او»، چاپ دوم، تهران، بنگاه مطبوعاتی صفعلیشاه، با همکاری موسسه انتشارات فرانکلین.
۲۶. رسول‌زاده، محمدامین (۱۳۷۷). گزارش‌هایی از انقلاب مشروطیت ایران، چاپ اول، مجموعه تاریخ معاصر ایران - ۹، ایران، نشر و پژوهش شیرازه.
۲۷. رضائی نیا، امیر و ایزدی، رجب، (۱۳۹۱) بنیاد و ساختار نظام قانون‌گذاری و نمایندگی در آرای علمای مشروطه‌خواه (با کانونی بودن آرای شیخ محمدحسین نائینی و شیخ اسماعیل محلاتی)، جستارهای تاریخی، دوره ۳، شماره ۱، ۲۷-۶۳.
۲۸. زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۹۰). رسایل مشروطیت به روایت موافقان و مخالفان، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۲۹. شهبازی، عبدالله (۱۳۸۱). «جریان‌های سیاسی در انقلاب مشروطیت ایران»، مصاحبه توسط علی حسین پیرلو، شماره‌های ۱۶ و ۱۷ روزنامه ایران.
۳۰. طالبوف، عبدالرحیم بن ابوطالب (۱۳۵۷). آزادی و سیاست (دو رساله ایضاحات در خصوص آزادی و سیاست طالبی)، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات سحر.
۳۱. طالبوف، عبدالرحیم بن ابوطالب (ب ۲۵۳۶). مسالک المحسنین، چاپ دوم، تهران، انتشارات شبگیر.
۳۲. طالبوف، عبدالرحیم، (الف ۲۵۳۶)، کتاب احمد، چاپ دوم، انتشارات شبگیر، چاپخانه فاروس ایران، تهران، ایران.
۳۳. طباطبایی، سیدجواد، (۱۳۸۵)، تأملی درباره ایران: نظریه حکومت قانون در ایران: بخش نخست: مکتب تبریز و مبانی تجددخواهی، جلد دوم، نشر ستوده، تهران.
۳۴. عابدی اردکانی، محمد و علی پور، محمود، (۱۳۹۴)، پاسخ شیخ محمد اسماعیل محلاتی به مسئله استعمار: راه‌حلی برای تحقق زیست مستقل ملی در عصر سیاست‌های چند فرهنگی، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دهم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۴، ۱۴۵-۱۷۶.
۳۵. عباسی، بیژن و یعقوبی، رضا (۱۳۸۶). مفهوم قانون در اندیشه‌های مستشارالدوله، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۰، شماره ۱، ۵۶-۳۹.
۳۶. فیرحی، داوود (۱۳۹۹)، مفهوم قانون در ایران معاصر (تحولات پیشامشروطه)، نشر نی، تهران.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام
جمعیت نرسانت العالم الاسلامی

۲۴

سال یازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰

۳۷. کسروی، محمدسالار، (۱۳۹۶/۵/۸)، اندیشه سیاسی محمدحسین تبریزی، وبگاه راسخون، به آدرس:

<https://rasekhoon.net/article/show/1301930/%D8%A7%D9%8A-%D9%8A%D8%A7%D8%B3%D9%87-%D8%B3%D9%A%D8%B4%D9%86-%D9%85%D8%AF%D8%AD%D8%B3%D9%85%D8%AD%D9%8A%D8%B2%D9%D8%AA%D8%A8%D8%B1%D9>

۳۸. کسروی، احمد (۱۳۶۳). تاریخ مشروطه ایران، جلد اول. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.

۳۹. کمالی طه، منوچهر، (۱۳۵۲)، حکومت قانون، قانون خواهی در ایران سده نوزده، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

۴۰. محمدزاده، علی (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی اندیشه و کنش سیاسی سید حسن تقی زاده، جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۷، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ۱۲۲-۱۵۷.

۴۱. مستشارالدوله، میرزا یوسف خان (۱۳۸۶). رساله یک کلمه، به اهتمام علیرضا دولت‌شاهی، تهران، انتشارات بال.

۴۲. ناظم الدوله، میرزا ملکم خان (۱۳۸۱). رساله‌های میرزا ملکم خان ناظم الدوله، گردآوری و مقدمه حجت‌الله اصیل، تهران، نشر نی.

۴۳. ناظم الدوله، میرزا ملکم خان (۲۵۳۵). روزنامه قانون، چاپ اول، به کوشش هما ناطق، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپخانه سپهر.

۴۴. نائینی، محمدحسین، (۱۳۲۷)، تنبیه الأمة و تنزیه الملة، تقریظ مرحوم آیه الله شیخ محمدکاظم خراسانی و مرحوم آیه الله شیخ عبدالله مازندرانی رحمة الله علیها، تهران.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۱۰۳۰۱

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

جمال زاده، ناصر؛ ندافان، مسعود؛ بیگی، علی رضا (۱۴۰۰)، «بازخوانی تصویر ذهنی علما و روشنفکران عصر مشروطه از قانون» فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۱۱، ش ۳، پاییز ۱۴۰۰، صص ۲۴-۱.